

تحلیل ساختاری حدیث ضیف ابراهیم(ع) در قرآن کریم با تکیه بر دو محور جانشینی و هم‌نشینی

محمد رضا اسلامی*

تاریخ دریافت: ۹۶/۹/۲۵

مریم دریانورد**

تاریخ پذیرش: ۹۶/۱۱/۲۷

چکیده

بررسی روابط هم‌نشینی و جانشینی واژگان، یکی از مباحث ضروری و لازم برای درک و تحلیل مفاهیم قرآن مجید، به شمار می‌آید. تعلیم و تربیت از جمله اهداف نزول این کتاب آسمانی است، کتابی که رحمتی است برای گروندگان، و زبانی برای تبهکاران تا بندگی فروغ ارشادی آن از ورای قرون متمادی در کلیه زمینه‌ها بر تارک زندگی معنوی و مادی انسان‌ها پرتو افکنده و انوار هدایتش اندیشه‌های جویندگان کمال مطلق در حیات را سمت و سو بخشیده و پیروانش را در ابعاد تعلیمی و تربیتی مستفیض گردانیده است. نمونه بارز تربیتی قرآن را می‌توان در «حدیث ضیف ابراهیم(ع)» جست‌وجو کرد. تمام عناصر این داستان، در یک زنجیره خطی در کنار هم چیده شده‌اند، تا آداب مهمانی را به انسان بیاموزد. جستار حاضر کوشیده است با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی و با تکیه بر دو محور جانشینی و هم‌نشینی به بررسی ساختاری آیات مربوط به آداب مهمانی در داستان مذکور بپردازد. برخی از نتایج پژوهش نشان می‌دهد که در این داستان، بیش‌تر بر محور جانشینی تکیه شده است. در محور هم‌نشینی برای انتقال پیام اصلی داستان، عبارات‌ها به گونه‌ای در کنار هم و در یک خط افقی قرار گرفته‌اند تا آداب مهمانی را به ترتیب بیان نماید، که مصداق بارز آن را در انسجام شخصیت حضرت ابراهیم(ع) با سایر شخصیت‌ها مشاهده می‌کنیم.

کلیدواژگان: ابراهیم(ع)، داستان، ضیافت، عجل سمین، عناصر، قرآن مجید.

مقدمه

قرآن کریم به عنوان یک متن ادبی از انسجامی خاص و ساختاری منظم برخوردار است. شبکه ارتباطی آیه‌های آن با هم و با محوریت سوره، شگفتی چشمگیری را به وجود آورده است. به طوری که هر واژه در آن جایگاه مشخصی دارد و به عنوان یک نشانه قرار گرفته که معنا و مفهوم را منتقل می‌سازد. نشانه‌شناسی در قرآن ساختار متن را تحلیل، واحدهای تشکیل‌دهنده آن را بازشناسی و رابطه بین دال‌ها و مدلول‌ها و روابط بین محورهای هم‌نشینی و جانشینی را بررسی می‌کند. برای درک بهتر متون قرآنی باید رابطه دال و مدلولی آن را دریافت. «نشانه‌شناسی نقش هدایت به سوی ارتباط معنوی و پنهان لفظ به غیر خودش را ایفا می‌کند و این علم ما را در شناخت تعبیر دقیق قرآنی کمک می‌کند. قرآن مملو از الفاظ و تعبیر و داستان‌هایی است که به طور مداوم تکرار می‌شود. نشانه‌شناسی تشخیص معانی دقیق الفاظ در هر یک از حالات را بررسی می‌کند» (طاهری‌نیا، ۲۰۰۶: ۱). برای درک بهتر پیام‌های آن، می‌توان به طور نظام‌مند، ساختار آن را تحلیل و به مفهوم اصلی آن از طریق ارتباط هر جزء با جزء دیگر پی برد و این وظیفه بر عهده، محور هم‌نشینی (چگونگی قرار گرفتن عناصر کنار هم) است. علاوه بر این هر یک از اجزاء در یک ساختار، معانی را انتقال می‌دهد که در ساختار دیگر آن معنی را ندارد. اجزاء بر اساس فضای ساختار و محتوای معنایی آن انتخاب می‌شوند و برخی از اجزاء به جای برخی دیگر قرار می‌گیرند تا مفهوم مورد نظر نویسنده را انتقال دهند و این عمل را محور جانشینی (چگونگی جایگزینی عناصر به جای هم) انجام می‌دهد.

آداب مهمانی یکی از موضوعات بسیار ریز و دقیق سبک زندگی است که قرآن به اشکال گوناگون به آن پرداخته و در قالب داستان به مخاطب منتقل می‌سازد، انسان موجودی اجتماعی است و نیاز عاطفی و احساسی او را به هم‌نشینی و هم‌کلامی با هم نوع خود می‌کشاند. به همین دلیل این موضوع در قرآن از اهمیت خاصی برخوردار گشته است. مهمان‌نوازی و پذیرایی خوب و شایسته از مهمان یکی از خصایل نیکو و ارزشمند در دین اسلام شمرده می‌شود. اسلام و به طور خاص قرآن کریم، با توجه به فطرت بشر، سبک زندگی را در سطوح مختلف مورد اهمیت قرار می‌دهد. هر کدام از رفتارهای

حضرت ابراهیم(ع) با فرشتگان الهی، بیانگر شیوه‌ی برخورد با مهمانان، از نظر قرآن است. در این تحقیق با تکیه بر دو محور هم‌نشینی و جانشینی، به تحلیل ساختار معنایی داستان پرداخته و مفاهیم اصلی مبتنی بر آداب مهمانی را بررسی خواهیم کرد.

سؤالات پژوهش

چگونه با تکیه بر دو رویکرد جانشینی و هم‌نشینی می‌توان مفهوم آداب مهمانی را در داستان حضرت ابراهیم(ع) پیدا کرد؟
هر یک از اجزاء داستان با در کنار هم قرار گرفتن چه پیامی را انتقال می‌دهند؟

پیشینه تحقیق

بر اساس یافته‌های نگارندگان، پژوهش‌های مهمی که در این زمینه و مرتبط با موضوع تحقیق، انجام شده عبارت‌اند از:

علیرضا قائمی‌نیا(۲۰۱۱م) در مقاله «بیولوژی نص، نشانه‌شناسی و تفسیر قرآن» به طور جامع و کامل به نشانه‌شناسی در قرآن و طریقه تفسیر قرآن با رویکردی نشانه‌شناسی پرداخته است.

ابراهیم ابراهیمی(۲۰۱۶م) در مقاله «نقد و تحلیل ساختار ادبی و محتوایی آیه تطهیر» که در فصلنامه پژوهش‌های ادبی- قرآنی به چاپ رسیده است. موضوع این تحقیق، نقد و تحلیل ساختار ادبی و محتوایی آیه تطهیر می‌باشد. نگارنده، ابتدا به بررسی لغوی و تفسیری دو واژه "رجس" و "تطهیر" پرداخته، سپس با توجه به قرائن داخلی متن، ضمائر و مرجع‌های آن را با تکیه بر محور هم‌نشینی و جانشینی، مورد بررسی قرار داده و به این نتیجه می‌رسد که همسران پیامبر مشمول آیه تطهیر نمی‌باشند.

علیرضا طبیبی و ملیحه رضانی(۲۰۱۳م) در مقاله «بررسی معناشناسانه استهزاء با تأکید بر هم‌نشینی‌ها و جانشینی‌ها» در همان مجله، واژه استهزاء را از لحاظ معناشناسی بررسی کرده سپس به تحلیل محتوایی این واژه و مشتقات آن در قرآن بر پایه مطالعات درون‌متنی با توجه به سیاق آیات پرداخته‌اند.

علی باقر طاهری نیا و مریم دریانورد (۲۰۱۴م) در مقاله «تحلیل نشانه‌شناسی «حوار» در داستان حضرت ابراهیم در قرآن کریم» در مجله دو فصلنامه پژوهش‌های قرآنی در ادبیات، به بررسی نشانه‌شناختی عنصر گفت‌وگو در داستان حضرت ابراهیم پرداخته‌اند. پژوهش‌های قبل در رابطه با نشانه‌شناسی و یا معناشناسی و ساختارگرایی آیات قرآنی است و هر کدام به آیه و موضوعی خاص پرداخته‌اند. اما در زمینه بررسی ساختاری «حدیث ضیف ابراهیم(ع)» پژوهشی یافت نشد.

روش تحقیق

با بهره‌گیری از روش توصیفی-تحلیلی، داده‌ها جمع‌آوری و از لحاظ محورهای جانشینی و هم‌نشینی بررسی می‌گردد.

تحلیل ساختار متن

ساختار به معنای نظام است که نشانه‌ها در آن منظم چیده شده و نشانه‌شناسی آن‌ها را با هدف بازنمایی پیام متن، فهرست و تحلیل می‌کند (مارسل، ۲۰۰۸: ۵۰). هر یک از نشانه‌ها با دیگری در ارتباط بوده و همچون حلقه‌های زنجیر در هم گره خورده‌اند و همه نشانه‌ها به کل نظام وابسته‌اند، میزان انسانیت به اندازه اخلاق و هنر دینداری اوست، در مبارزه بین اخلاق و بی اخلاقی، خدا محوری با خودخواهی انسان همیشه در تلاطم بوده و در این راه با عبور از مرکب حیوانیت به سوی کمال گام می‌نهد (ممتحن، ۲۰۱۴: ۸). داستان نیز از یک انسجام و وحدت اندام‌وار اجزاء و وحدت پیام برخوردار است، این بر اثر تناسب درونی بین اجزاء آن به وجود می‌آید؛ بدین معنا که یک داستان به عنوان یک اثر ادبی متشکل از واژه‌ها و عباراتی است که ساختار آن را به وجود می‌آورند و همه آن‌ها در یک شبکه معنایی حرکت می‌کنند. این تناسب و هماهنگی را می‌توان در دو محور جانشینی و هم‌نشینی ساختار داستان بررسی کرد. به اعتقاد سوسور، محور هم‌نشینی، محور افقی و محور جانشینی، محور عمودی جمله است، عملکرد هم‌نشینی به صورت ترکیب «فلان عنصر و فلان عنصر و ...» است (مثلاً در جمله آن مرد گریست)

اما عملکرد جانشینی به صورت انتخاب از میان «فلان عنصر یا فلان عنصر یا...» است (چندلر، ۲۰۰۸: ۱۲۸).

محور جانشینی

در محور جانشینی قرار گرفتن اجزا به جای همدیگر مورد بررسی قرار می‌گیرد و دلالت بر آن دارد که نشانه‌ها در ارتباط با یکدیگر معنادار می‌شوند، «تحلیل الگوهای جانشین با مقایسه و مقابله نشانه‌های حاضر در یک متن با نشانه‌های غائب که در شرایط مشابه ممکن بود انتخاب شوند، سر و کار دارد» (سجودی، ۲۰۰۳: ۸۶). محور جانشینی به نوعی تحلیل روابط برون‌متنی است و هر عنصر در آن به طور ساختاری با دیگر عناصر قابل تعویض است اما انتخاب هر کدام مانع انتخاب دیگری می‌شود و ترجیح آن نسبت به دیگری در یک مجموعه عناصر جانشین (مثل صفت‌ها) تشکیل‌دهنده معنای متن است. بنابراین روابط جانشینی را می‌توان بر روابطی مبتنی بر "قیاس" دانست (چندلر، ۲۰۰۸: ۱۲۹).

محور هم‌نشینی

محور هم‌نشینی بیانگر ارتباط نشانه‌ها با یکدیگر است و از همین ارتباط است که معنای نهایی حاصل می‌شود، در محور هم‌نشینی ارزش هر نشانه در متن و در رابطه با سایر نشانه‌ها، در زنجیره‌ای از عناصر معنایی است. «مجموعه از عناصر هم‌نشینی یا یک سازه ترکیب منظمی از دال‌های مرتبط به هم است که یک کل معنادار را در یک متن شکل می‌دهند» (همان: ۱۳۰). روابط هم‌نشینی در داستان کنار هم چیدن نشانه‌ها برای انتقال معنای خاص است، اجزاء در داستان مجموعه از عناصر داستان که با هم حرکت می‌کنند تا داستان به هدف اصلی خود متمایل شود هم‌چنین مجموعه‌ای از جملات که خود متشکل از کلمات هستند و در یک زنجیره خطی قرار گرفته‌اند و محور هم‌نشینی در آن از پیوند عناصر جانشینی که بر اساس ملاحظات قراردادی (مانند دستور زبان) انتخاب می‌شوند، شکل می‌گیرد. محور هم‌نشینی به ارتباط اجزا با کل و متقابلاً پیوند کل با اجزا اهمیت می‌دهد.

دو محور هم‌نشینی و جانشینی بر دو نوع گزینش و ترکیب در ساختار زبان تشکیل می‌شود، واژه‌ها، به دلیل توالی‌شان، روابطی را میان خود برقرار می‌کنند که بر بنیاد ویژگی خطی و یک بعدی زبان استوار است؛ این ویژگی امکان تلفظ دو عنصر را در آن واحد ناممکن می‌سازد.

عناصر یکی پس از دیگری با تکیه بر امتداد زمانی، بر روی زنجیره گفتار ترکیب می‌یابند. رابطه عناصر در یک زنجیره خطی، رابطه حضوری است، عنصر در تقابل با عناصر پیش و پس از خود، بررسی می‌شود. اما از طرفی واژه‌هایی در ساختار زبان وجود دارند که با واژه‌هایی در خارج از آن (ساختار) ارتباط دارد. ارتباط آن‌ها تداعی و غیابی است و امتداد خطی یا زمانی در آن وجود ندارد. آن‌ها گنجینه درونی انسان‌اند که زبان هر فرد را می‌سازد (سوسور، ۲۰۱۰: ۱۷۶-۱۷۷).

دو محور هم‌نشینی و جانشینی در ساختار داستان‌های قرآن نیز بر اثر روابط هم‌نشینی امکاناتی برای ترکیب‌اند و از طریق روابط جانشینی شامل مقایسه بین عناصر و تمایز بین عنصر حاضر با عناصر غایب می‌باشد.

واژه‌های قرآن وقتی درون نظام ساختاری داستان قرار می‌گیرند با توجه به این روابط، معنایی خاص می‌یابند، روابط جانشینی و هم‌نشینی یک نشانه با نشانه‌های دیگر و تقابل‌های درون نص، سلسله‌ای از معادلات معنایی را پیرامون نشانه‌ها فراهم می‌آورد (قائم‌نیا، ۲۰۱۰: ۲۳۹).

حدیث ضیف ابراهیم (ع)

این داستان در سه سوره هود، حجر و الذاریات وارد شده و داستان از این قرار است که حضرت ابراهیم (ع) پس از اینکه امتحان ذبح پسرش اسماعیل را با موفقیت گذراند به فلسطین بازگشت. در این هنگام، ساره همسر حضرت ابراهیم در سن هشتاد سالگی هنوز بچه‌دار نشده و هیچ امیدی به آن نیز ندارد. فرشتگان از سوی خداوند متعال و در کسوت مهمان به خانه حضرت ابراهیم (ع) وارد شده و تولد اسحاق را به او مژده می‌دهند. خداوند در این داستان، اکرام و احترام آن حضرت، نسبت به مهمانان ناشناخته را اینچنین بیان می‌کند:

﴿وَلَقَدْ جَاءَتْ رُسُلُنَا إِبْرَاهِيمَ بِالْبُشْرَى قَالُوا سَلَامًا قَالَ سَلَامٌ فَمَا لَبِثَ أَنْ جَاءَ بِعِجْلٍ حَنِيذٍ ﴿۶۹﴾ فَلَمَّا رَأَى أَيْدِيَهُمْ لَا تَصِلُ إِلَيْهِ نَكِرَهُمْ وَأَوْجَسَ مِنْهُمْ خِيفَةً قَالُوا لَا تَخَفْ إِنَّا أُرْسِلْنَا إِلَى قَوْمِ لُوطٍ ﴿۷۰﴾ وَامْرَأَتُهُ قَائِمَةٌ فَضَحِكَتْ فَبَشَّرْنَاَهَا بِإِسْحَاقَ وَمِنْ وَرَاءِ إِسْحَاقَ يَعْقُوبَ ﴿۷۱﴾ قَالَتْ يَا وَيْلَتَا أَلِدُ وَأَنَا عَجُوزٌ وَهَذَا بَعْلِي شَيْخًا إِنَّ هَذَا لَشَيْءٌ عَجِيبٌ ﴿۷۲﴾ قَالُوا اتَّعَجِبِينَ مِنْ أَمْرِ اللَّهِ رَحْمَةً لِلَّهِ وَبَرَكَاتُهُ عَلَيْكُمْ أَهْلَ الْبَيْتِ إِنَّهُ حَمِيدٌ مَجِيدٌ ﴿۷۳﴾ فَلَمَّا ذَهَبَ عَنْ إِبْرَاهِيمَ الرَّوْعُ وَجَاءَتْهُ الْبُشْرَى يُجَادِلُنَا فِي قَوْمِ لُوطٍ ﴿۷۴﴾ لَنْ إِبْرَاهِيمَ لَخَلِيمٌ أَوْاهٌ مُنِيبٌ ﴿۷۵﴾ يَا إِبْرَاهِيمُ أَعْرِضْ عَنْ هَذَا إِنَّهُ قَدْ جَاءَ أَمْرٌ رَبِّكَ وَإِنَّهُمْ آتِيهِمْ عَذَابٌ غَيْرُ مَرْدُودٍ ﴿۷۶﴾﴾ (هود / ۶۹-۷۶)

«فرستادگان (فرشته) ما همراه با مزدگانی، به پیش ابراهیم آمدند و بدو سلام کردند. ابراهیم جواب سلام ایشان را داد. آنگاه هرچه زودتر گوساله بریانی را برای ایشان آورد. هنگامی که دید آنان دست به سوی آن دراز نمی‌کنند (و لب به غذا نمی‌زنند، پیش خود فکر کرد که دوست نیستند و سر جنگ دارند، این است که نمی‌خواهند غذا بخورند) لذا از ایشان رمید و بدشان دید و هراسی از آنان به دل راه داد. گفتند: مترس. ما (فرشتگان خدائیم و) به سوی قوم لوط روانه شده‌ایم (تا آنان را هلاک کنیم). همسر ابراهیم (ساره که در آنجا) ایستاده بود (از این خبر که آنان فرشتگان خدایند و برای نجات برادرزاده شوهرش لوط و سایر مؤمنان از دست کفار آمده‌اند شادمان شد و) خندید، ما (توسط همان فرشتگان) بدو مزده (تولّد) اسحاق (از او)، و به دنبال وی (تولّد) یعقوب (از فرزندش اسحاق) را دادیم. گفت: ای وای! آیا من که پیرزنی هستم و این هم (ابراهیم) شوهرم که پیرمردی می‌باشد، فرزندی می‌زایم! این چیز شگفتی (و محالی) است (مگر ممکن است از ما دو نفر انسان فرتوت و فرسوده، بچه‌ای پدید آید؟! گفتند: آیا از کار خدا شگفت می‌کنی؟ ای اهل بیت (نبوت)! رحمت و برکات خدا شامل شما است (پس جای تعجب نیست اگر به شما چیزی عطاء کند که به دیگران عطاء نفرموده باشد). بی‌گمان خداوند ستوده (در همه افعال و) بزرگوار (در همه احوال) است. هنگامی که خوف و هراس از ابراهیم دور شد و مزده (تولّد فرزند) بدو رسید، (دلش به حال قوم لوط سوخت و با

فرشتگان) ما (شروع) به مجادله (و گفت و گو) درباره (هلاک) قوم لوط کرد. واقعاً ابراهیم بسی بردبار و آه‌کننده و توبه‌کار بود. (فرشتگان به او گفتند:) ای ابراهیم از این (جدال و درخواست رحمت برای قوم لوط) دست بکش. فرمان پروردگارت (درباره هلاک ایشان) شرف صدور یافته است و به طور قطع عذاب بدیشان می‌رسد و (با جدال و التماس تو) برگشت ندارد» (خرمدل، ۲۰۰۵: هود).

﴿إِذْ دَخَلُوا عَلَيْهِ فَقَالُوا سَلَامًا قَالَ إِنَّا مِنْكُمْ وَجِلُونَ ﴿۵۱﴾ قَالُوا لَا تَوْجَلْ إِنَّا نُبَشِّرُكَ بِغُلَامٍ عَلَيْكَ ﴿۵۲﴾ قَالَ أِبَشَرْتُمُونِي عَلَىٰ أَنْ مَسَّنِيَ الْكِبَرُ فِيمِمْ بُبَشِّرُونَ ﴿۵۳﴾ قَالُوا بَشِّرْنَاكَ بِالْحَقِّ فَلَا تَكُنْ مِنَ الْقَانِطِينَ ﴿۵۴﴾ قَالَ وَمَنْ يَقْنَطُ مِنْ رَحْمَةِ رَبِّهِ إِلَّا الضَّالُّونَ ﴿۵۵﴾﴾ (حجر / ۵۲ - ۵۶)

«(زمانی) را بیان کن) که به پیش او آمدند و گفتند: درود! ابراهیم گفت: ما از شما می‌ترسیم! گفتند: مترس! ما تو را به پسر بسیار دانائی مژده می‌دهیم. (ابراهیم) گفت: آیا چنین مژده‌ای را به من می‌دهید در حالی که پیری گریبانگیر من شده است؟ پس چگونه (و برابر کدام قاعده در چنین سن و سالی به تولد فرزند مرا) مژده می‌دهید؟! گفتند: ما تو را به چیز راست و درستی مژده داده‌ایم و از زمره مایوسان (از رحمت خدا) مباش. گفت: چه کسی است که از رحمت پروردگارش مایوس شود، مگر گمراهان (بی‌خبر از قدرت و عظمت خدا؟!))» (خرمدل، ۲۰۰۵: حجر).

﴿هَلْ أَتَاكَ حَدِيثُ صَيْفِ بْنِ أَبِي هَبَةَ الْمَكْرَمِيِّ ﴿۲۳﴾ إِذْ دَخَلُوا عَلَيْهِ فَقَالُوا سَلَامًا قَالَ سَلَامٌ قَوْمٍ مُنْكَرُونَ ﴿۲۴﴾ فَرَأَىٰ إِلَىٰ أَهْلِهِ فَجَاءَ بِعَجَلٍ سَمِينٍ ﴿۲۵﴾ فَقَرَّبَهُ إِلَيْهِمْ قَالَ أَلَا تَأْكُلُونَ ﴿۲۶﴾ فَأَوْجَسَ مِنْهُمْ خِيفَةً قَالُوا لَا تَخَفْ وَبَشَّرُوهُ بِغُلَامٍ عَلَيْكَ ﴿۲۷﴾ فَأَقْبَلَتِ امْرَأَتُهُ فِي صَرَٰةٍ فَصَكَتْ وَجْهَهَا وَقَالَتْ عَجُوزٌ عَقِيمٌ ﴿۲۸﴾ قَالُوا كَذَلِكَ قَالَ رَبُّكَ إِنَّهُ هُوَ الْحَكِيمُ الْعَلِيمُ ﴿۲۹﴾﴾ (الذاریات / ۲۴ - ۳۰)

«(آیا خبر مهمان‌های بزرگوار ابراهیم به تو رسیده است؟ در آن زمانی که بر او وارد شدند و گفتند: سلام (بر تو!) گفت: سلام بر شما! (شما مهمانان، برایم) مردمان ناآشنا و ناشناسی هستید. به دنبال آن، پنهانی به سوی خانواده خود رفت، و گوساله فربه‌ای را (که بریان کرده بودند، برای ایشان) آورد. آن را نزدیک ایشان گذارد. (ولی با تعجب دید دست به سوی غذا

نمی‌برند و از آن چیزی نمی‌خورند!) گفت: آیا نمی‌خورید؟! (هنگامی که دید دست به سوی غذا نمی‌برند) در دل از ایشان احساس ترس و وحشت کرد. گفتند: مترس! سپس او را به تولد پسری دانا و آگاه بشارت دادند. همسرش جلو آمد، در حالی که (از تعجب) فریاد می‌کشید و به صورت خود می‌زد و می‌گفت: من پیرزنی نازا هستم (مگر می‌شود در این سن و سال بزایم و فرزندی به دنیا بیاورم؟!). فرشتگان گفتند: همانگونه خواهد بود که گفتیم. پروردگارت دستور فرموده است (و قطعاً چنین خواهد شد). او (کارهایش) دارای حکمت، و آگاه (از هر چیز) است» (خرمدل، ۲۰۰۵: الذاریات).

تحلیل متن بر حسب محور جانشینی

هرچند محور جانشینی تمامی واژگان ساختار یک متن را مورد بررسی قرار می‌دهد، اما در این مقاله فقط به واژگانی اکتفا می‌شود که محور اصلی داستان را در اختیار گرفته و هدف اصلی (آداب مهمانی) را دنبال می‌کنند.

حضرت ابراهیم(ع): مکرم

حضرت ابراهیم(ع) یکی از شخصیت‌های اصلی داستان است، جریان داستان با وجود شخصیت ایشان حرکت و مفهوم اصلی را انتقال می‌دهد. اسم حضرت ابراهیم بر مسمايش دلالت می‌کند، این واژه در اصل از زبان مصری قدیم که از دو کلمه ابر+رام یا رامه ترکیب و ابرام یا ابرامه تشکیل شده است.

کلمه ابر، به معنی جواد و رام یا رامه به معنی مرد(رجل) است. ترکیب این دو با هم مرد جواد یا شجاع معنی می‌دهد(ر.ک العدل، ۲۰۰۸: ۵۱) و انتخاب این واژه در محور جانشینی به جای نشانه‌های دیگر، بر ارتباط معنایی آن با محتوای داستان (اکرام مهمان) دلالت می‌کند. حضرت ابراهیم(ع) با مهمانان ناشناخته، محترمانه و از روی اکرام برخورد کرد و ناشناخته بودن آن‌ها باعث نشد که حضرت ابراهیم(ع) برخوردی سرد و خشک داشته باشد.

فرشتگان: مهمان ناشناخته

خداوند متعال در داستان از فرشتگان به "رسل" و "ضیف" یاد کرده است؛ فرشتگان، به عنوان واسطه بین خداوند و انسان‌ها، پیام الهی را به آن‌ها منتقل می‌سازند و قرار گرفتن عنصر جانشینی "رسل" به جای عناصر دیگر به همین دلیل است. زیرا آن‌ها به نزد حضرت /براهیم آمدند تا رسالت الهی را به ایشان انتقال دهند. "الضیف" در اصل به معنای میل و انحراف به سو و جهتی است «ضفت الی کذا» یعنی به سوی آن میل کردم، و الضیف، یعنی کسی است که به سوی تو میل می‌کند و نزد تو فرود می‌آید (راغب اصفهانی، ۲۰۰۸: ۳۱۲). «وَوَبَّئَهُمُ عَنْ ضَيْفٍ إِبْرَاهِيمَ» (حجر / ۵۱): «و آنان را از مهمانان ابراهیم باخبر کن». در این سوره مقصود از "ضیف" فرشتگانی است که در لباس انسان از سوی خداوند نزد حضرت /براهیم فرود آمده‌اند؛ و قرآن ناشناخته بودن آن‌ها را به "قوم منکرون" تعبیر کرده است. ضیف در محور جانشینی از فرشتگان به عنوان مهمان ناشناخته و در قالب انسان تعبیر می‌کند و فرشتگان در واقع از سوی خداوند مأمور شده بودند که بشارت بچه‌دار شدن حضرت /براهیم و خبر عذاب قوم لوط را به ایشان بدهند چون در نقش انسان و قومی ناشناخته وارد خانه حضرت /براهیم شدند عبارت "قوم منکرون" جانشین عبارت‌های دیگر قرار گرفت.

ساره: حیرت و شادمانی، میزبان

شخصیت ساره در کنار قهرمان داستان (حضرت /براهیم) معرفی می‌شود، او در پذیرایی از مهمانان به ایشان کمک می‌کند و انتخاب ساره در محور جانشینی متناسب با شخصیت ایشان در داستان است. او سال‌ها به خاطر نداشتن فرزند صبر و تحمل می‌کند و زمانی که خداوند او را در بزرگسالی به داشتن فرزندی بشارت می‌دهد، بسیار خوشحال و شادمان می‌شود و قرآن در مورد آن می‌فرماید: ﴿فَأَقْبَلَتِ امْرَأَتُهُ فِي صَرَّةٍ فَصَكَّتْ وَجْهَهَا﴾ (ذاریات/ ۲۹) اما با شنیدن این بشارت، دچار حیرت و سرگردانی می‌شود، چگونه ممکن است که من در حالی که پیر و سالخورده شده‌ام و هیچ قدرتی برای بچه‌دار شدن ندارم، می‌توانم بچه‌ای بزایم؟

﴿قَالَتْ يَا وَيْتَانَا لَأَنذَرْنَاكَ وَأَنَا عَجُوزٌ وَهَذَا بَعْلِي شَيْخَانٌ هَذَا لَشَيْءٌ عَجِيبٌ﴾ (هود / ۷۲)

عجل سمین و عجل حنید: اکرام مهمان به بهترین وجه

محور جانشینی از میان نشانه‌های دیگر عجل را برای اکرام مهمان برگزیده است، عجل یعنی گوساله چاقی که بریان کرده باشند (راغب اصفهانی، ۲۰۰۸: ۱۴۹) و حنید نیز به معنی کباب شده و پخته شده به بهترین وجه است (الشوکانی، ۲۰۰۵: ۱۰۲۷). خداوند متعال می‌فرماید: «فَجَاءَ بِعِجْلِ سَمِينٍ» و در جای دیگر: «جَاءَ بِعِجْلِ حَنِيدٍ» (حضرت / ابراهیم بلافاصله با گوساله فربه برگشت). "عجل سمین" دال بر این است که آن حضرت بهترین غذایی که نزد خود داشت برای مهمانان حاضر کرد.

تحلیل متن بر حسب محور هم‌نشینی

از طریق ارتباط و هم‌نشینی برخی نشانه‌ها در کنار هم، مفهوم خاصی را انتقال می‌دهند. در داستان «ضیف حضرت ابراهیم (ع)» عناصر جملات در کنار هم قرار می‌گیرند تا معنای نهایی از آن‌ها حاصل شود، در زیر به برخی از آن‌ها اشاره می‌کنیم:

هم‌نشینی وارد شدن فرشتگان با سلام حضرت ابراهیم: احترام و اکرام انسان بزرگوار

فرشتگان به عنوان مهمانان ناشناس بر حضرت / ابراهیم وارد می‌شوند و پیش از هر کلامی بر آن حضرت سلام و درود می‌فرستند. خداوند متعال می‌فرماید:

﴿إِذْ دَخَلُوا عَلَيْهِ فَقَالُوا سَلَامًا﴾

«در آن زمانی که بر او وارد شدند و گفتند: سلام (بر تو!)»

سلام کردن مهمان به محض ورود نشانه ادب و شخصیت اوست زیرا سلام نخستین ابزار ارتباطی میان دو شخص به ویژه شخص ناشناس است که این آیه در قرآن کریم از زمره فرهنگ و آداب جامعه اسلامی شمرده می‌شود و سلام گفتن مستحب و جواب دادن به آن را واجب کفایی می‌شمارند. خداوند به وسیله سلام دادن جامعه اسلامی را از فرهنگ جاهلی مانند: سر فرود آوردن، سجده کردن و ... بی‌نیاز نموده است (قرضاوی، ۱۹۹۹: ۱۷۳). خداوند متعال می‌فرماید:

﴿فَإِذَا دَخَلْتُمْ بُيُوتًا فَسَلِّمُوا عَلَىٰ أَنفُسِكُمْ﴾ (نور / ۶۱)

حضرت /براهیم نیز با سلامی برتر از سلام آن‌ها، پاسخ می‌دهد: «قَالَ سَلَامٌ قَوْمٌ مُنْكَرُونَ» (گفت: سلام بر شما! (شما مهمانان، برایم) مردمان ناآشنا و ناشناسی هستید). آن‌ها سلام را با «جمله فعلیه» خطاب کردند که بر تجدد دلالت می‌کند و حضرت /براهیم با «جمله اسمیه» که بر ثبوت و دوام دلالت می‌کند و تأکید بیش‌تری دارد، جواب داد و با این جمله محبت خود را بر کسی که بر او وارد شده، ابراز نمود. خداوند متعال نیز می‌فرماید که سلام را به بهترین وجه پاسخ دهید:

﴿وَإِذَا حُيِّتُمْ بِتَحِيَّةٍ فَحَيُّوا بِأَحْسَنَ مِنْهَا أَوْ رُدُّوهَا إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ حَسِيبًا﴾ (نساء/

(۸۶)

«هرگاه شما را درودی دادند (اعم از سلام کردن و دعا نمودن و احترام گذاردن) به گونه زیباتر و بهتر از آن یا (دست کم) همانند آن، آن را پاسخ گوئید. بی‌گمان خداوند حسابرس هر چیزی است (و حساب هر چیزی را دارد) (خرمدل، ۲۰۰۵: نساء)».

هم‌نشینی «فَرَاغَ إِلَىٰ أَهْلِهِ فَجَاءَ بِعِجْلٍ سَمِينٍ» (۲۶) فَقَرَّبَهُ إِلَيْهِمْ قَالَ أَلَا تَأْكُلُونَ»:

آداب میزبان

حضرت /براهیم به محض اینکه مهمان‌ها بر او وارد شدند نزد اهلش رفت، خداوند متعال می‌فرماید: «فراغ الی اهل»؛ راغ به معنی أسرع یعنی شتافت و به سرعت رفت (راغب اصفهانی، ۲۰۰۸: ۲۳۳)، در اصل راغ یعنی اینکه طوری از دید پنهان شد که کسی غیاب او را احساس نکرد. این نکته دلالت بر امری می‌کند که نباید مهمان احساس حرج کند و میزبان اجازه ندارد از مهمانش بپرسد آیا غذا خورده‌ای؟ یا اینکه آیا غذایی برایت آماده کنم؟ این خلاف آداب شریعت اسلامی است. حضرت /براهیم برای اینکه مهمانان هیچ احساسی نسبت به عمل آن حضرت نداشته باشند به سرعت و به طور پنهانی از بین آن‌ها خارج شد و به اهلش سفارش کرد که غذا را آماده کنند و زود به نزد مهمانان بازگشت (ابوستیت، ۱۹۹۱: ۲۷۸). هم‌نشینی راغ با اهل دلالت می‌کند بر اینکه کار پختن آن گوساله توسط همسرش انجام شده و حضرت /براهیم خودش به سرعت به نزد مهمان‌ها بازگشته است. عمل بریان کردن گوساله در مدت زمانی اندک و بدون کم‌ترین

درنگ، صورت گرفته که نشانه سرعت عمل اوست. سپس می‌فرماید: «فَجَاءَ بِعَجَلٍ سَمِينٍ»، انتخاب "عجل" در محور جانشینی، بیانگر بهترین غذا برای پذیرایی از مهمان است و اینکه حضرت / ابراهیم به نشانه احترام و اکرام جایگاه مهمان با بهترین غذایی که در دست داشتند، از آن‌ها پذیرایی کرد و هم‌نشینی واژه "عجل" با "سمین" بر همین امر دلالت می‌کند و اینکه معمولاً اشخاص سخاوتمند هرگاه میهمانی برای آن‌ها فرا رسد تنها به اندازه میهمانان غذا تهیه نمی‌کنند، بلکه غذائی فراهم می‌سازند که علاوه بر میهمانان تمام کسانی که برای آنان کار می‌کنند از آن بهره ببرند (شیرازی، ۱۹۷۴، ج ۲۲: ۳۲۵).

از آداب میزبان است که مهمان را مورد اکرام و احترام قرار داده و از او با بهترین غذایی که در نزد خود دارد، پذیرایی کند و این نشانه سخاوت انسان نسبت به هم‌نوع خود می‌باشد و پیامبر اسلام در مورد سخاوت می‌فرماید: «السخي قريب من الله، قريب من الناس، قريب من الجنة، بعيد من النار والبخیل بعيد من الله بعيد من الناس بعيد من الجنة قريب من النار والجاهل السخي أحب الى الله تعالى من عابد بخیل»: «انسان سخاوتمند به خداوند، مردم و بهشت نزدیک است و از دوزخ دور می‌ماند و انسان بخیل از خداوند، مردم و از بهشت دور است. یک فرد نادان سخاوتمند نزد خداوند محبوب‌تر از یک فرد عابد بخیل است» (غزالی، ۲۰۰۹: ۲۰۰).

آمدن "فاء" پس از "راغ الی اهله" به این نکته اشاره می‌کند که مهمان را نباید زیاد منتظر گذاشت، شایسته است که میزبان اجازه ندهد، مهمان احساس ناراحتی کند او باید سریع نزد مهمان بازگردد.

میزبان نباید فراموش کند که به هنگام پذیرایی، مهمان را دریابد و غذا را در دسترس و نزدیک او قرار دهد همانطور که خداوند متعال در این داستان می‌فرماید: «فَقَرَّبَهُ إِلَيْهِمْ قَالَ أَلَا تَأْكُلُونَ»؛ حضرت / ابراهیم این کار را با مهمانانش انجام داد و غذا را نزدیک ایشان قرار داد تا با آسایش نوش جان فرمایند، هم‌نشینی شدن این جملات در کنار هم آداب میزبان را نشان می‌دهد و اینکه انسان نباید فکر کند که اگر مهمان ناشناس است نیازی به پذیرایی ندارد و او را به حال خود رها کند، اکرام و احترام مهمان از آدابی است که خداوند متعال از طریق این داستان به انسان می‌آموزد و سرعت در تهیه غذا و پذیرایی از

مهمان، یکی دیگر از آداب مهمانی است که باید به ترتیب رعایت شوند. تعجیل در پذیرایی یکی از نشانه‌های تکریم مهمان است چراکه میزبان از حالت مهمان آگاهی ندارد و نمی‌داند قبل از آن چیزی خورده یا نه. پس اگر گرسنه باشد می‌خورد و اگر سیر باشد، دست می‌کشد.

جاننشینی و هم‌نشینی در سطح واژه‌ها

﴿وَلَقَدْ جَاءَتْ رُسُلُنَا إِبْرَاهِيمَ بِالْبُشْرَى قَالُوا سَلَامًا قَالَ سَلَامٌ فَمَا لَبِثَ أَنْ جَاءَ بِعِجْلٍ حَنِيدٍ ﴿۶۹﴾ فَلَمَّا رَأَىٰ أَيْدِيَهُمْ لَا تَصِلُ إِلَيْهِ نَكِرَهُمْ وَأَوْجَسَ مِنْهُمْ خِيفَةً قَالُوا لَا تَخَفْ إِنَّا أُرْسِلْنَا إِلَىٰ قَوْمٍ لَّوِطٍ ﴿۷۰﴾﴾ (هود/ ۶۹-۷۰)

رسل: در محور جاننشینی در مقابل واژه‌هایی چون ملائکه و ضیف قرار گرفته و به معنی «کسی است که نامه یا گفته‌ای را منتقل می‌سازد» (راغب اصفهانی، ۲۰۰۸: ۲۲۰) و این آیه مفهوم انتقال امانت الهی توسط ملائکه را بیان می‌کند به همین دلیل در آن ملائکه به رسل تعبیر شده است. واژه رسل و بشری در محور هم‌نشینی: «وَلَقَدْ جَاءَتْ رُسُلُنَا إِبْرَاهِيمَ بِالْبُشْرَى» در یک خط مستقیم کنار هم قرار گرفته و به این امر تأکید دارد که ملائکه به مانند پیامبران نقش انتقال رسالت الهی را به بندگان داشته و خدا را تنها معبود آفرینش اعلان می‌کند. این سوره پیرامون مسأله خداشناسی می‌چرخد و به اثبات عقاید حقیقی را در قلب دعوت‌شدگان به سوی حق می‌پردازد (مسلم، ۲۰۱۰: ۴۴۶). بندگان را از روز رستاخیز و از خداوند علیم که به آشکار و نهان آگاه است، بیم می‌دهد. خداوند بندگان را که به رسالت او از آغاز تا به اکنون کفر ورزیدند، عذابی دردناک وارد می‌سازد و برای اثبات این امر به داستان پیامبران و رسالت آن‌ها می‌پردازد و ملائکه در اثر هم‌نشینی با این آیات و محور اصلی سوره به این تعبیر ذکر شده‌اند.

فما لبث: یعنی دیری نپایید و تأخیر نداشت (أحمد مختار، ۲۰۰۲: ۴۰۲)، در محور جاننشینی واژه اسرع قرار گرفته است.

عجل حنید: خداوند متعال در سوره هود، غذایی که حضرت ابراهیم آن را برای مهمان‌ها تهیه فرمودند، به عجل حنید، و در سوره الذاریات آن را به عجل سمین، تعبیر کرده است. حنید «بر وزن فعیل - در اینجا معنای مفعول (یعنی محنود) را می‌دهد و

گوساله محنوذ گوساله‌ای است که گوشتش به وسیله سنگ سرخ شده با آتش کباب شده باشد، به گونه‌ای که روغن از آن می‌چکد، بعضی دیگر گفته‌اند: حنیزد، نام کبابی است که آب و چربی از آن بچکد. بعضی گفته‌اند: حنیزد، نام همه رقم کباب است» (علامه طباطبائی، ۲۰۱۱، ج ۱۰: قسمت ۱۷). حنیزد در اصل غذای پخته شده و کباب شده بین دو سنگ آتشین به گونه‌ای که گوشت کاملاً سرخ شده باشد و روغن از آن چکه کند (زمخشری، ۱۹۹۸: ۲۱۷) و سمین به حیوان چاق و فربه گفته می‌شود (همان: ۴۷۵) و برای پختن غذایی چرب به حیوانی چاق و فربه نیاز است. بنابراین دو واژه مکمل یکدیگرند و هیچ تناقضی با هم ندارند. هر کدام بنا بر هم‌نشینی و جانشینی آن با واژه‌های دیگر در آیه و سوره و همچنین محور اصلی سوره قرار گرفته‌اند، هم‌نشینی حنیزد با واژه لبث دال بر این امر است، که میزبان دیری نپایید، غذا آماده کرده و مقابل مهمان‌ها قرار داد. در این سوره زمان و سرعت عمل ملاک قرار داده شده است، اما هم‌نشینی راغ با سمین، به این دلالت می‌کند که میزبان مهمان‌ها را تنها نگذاشته است و برای پذیرایی به گونه‌ای بیرون رفته که آن‌ها غیبت ایشان را احساس نکرده‌اند.

﴿هَلْ أَتَاكَ حَدِيثُ ضَيْفِ إِبْرَاهِيمَ الْمُكْرَمِينَ ﴿۳۰﴾ إِذْ دَخَلُوا عَلَيْهِ فَقَالُوا سَلَامًا قَالَ سَلَامٌ قَوْمٍ

مُنْكَرُونَ ﴿۳۱﴾ فَرَأَى إِلَىٰ أُمَمِهِ فَجَاءَ بِعِجَلٍ سَمِينٍ ﴿۳۲﴾ فَقَرَّبَهُ إِلَيْهِمْ قَالَ أَلَا تَأْكُلُونَ ﴿الذاریات﴾

۲۴ - ۳۰

هم‌نشینی واژگان ضیف، ابراهیم و مکرمین

«آیا داستان و خبر مهمان‌های بزرگوار ابراهیم به تو رسیده است؟! تعبیر به «مکرمین» (اکرام‌شدگان) یا به خاطر این است که این فرشتگان مأموران حق بودند و مورد اکرام و احترام خداوند قرار گرفته و در آیه ۲۶ سوره انبیاء نیز درباره فرشتگان می‌خوانیم: «بل عباد مکرمون» (آن‌ها بندگانی هستند محترم)؛ و یا به خاطر احتراماتی است که /براهیم برای آن‌ها قائل شد و یا به هر دو جهت (شیرازی، ۱۹۷۵، ج ۲۲: ۳۲۵). در هر صورت واژه مکرمین با ضیف هم‌نشینی شده است و این تعبیر دلالت می‌کند بر این که مهمان‌های حضرت /براهیم چند نفر بوده‌اند و ضیف در اثر هم‌نشینی با واژه ابراهیم مفرد آمده است.

نتیجه بحث

خداوند متعال برای بیان شیوه و آداب مهمانی، عناصری را انتخاب نموده که با موضوع هماهنگ است. با توجه به محور جانشینی شخصیت اصلی به اسم حضرت *ابراهیم* نام نهاده شده است که اسم دال بر مسمايش می‌کند. نام *ابراهیم* به معنی مرد جواد بر اکرام و احترام آن حضرت نسبت به مهمانان دلالت دارد. حضرت *ابراهیم* با وجود اینکه مهمانان (ملائکه) افرادی ناشناس بودند با آن‌ها با روی باز و گشاده برخورد نموده و از آن‌ها به نحو احسن پذیرایی کردند. "عجل سمین" در محور جانشینی یکی از عناصری است که دال بر پذیرایی نیکو می‌کند. حضرت *ابراهیم* در محور هم‌نشینی با شخصیت‌های دیگر انسجام یافته و پیام اصلی داستان را انتقال می‌دهد. مهمانان (ملائکه) شخصیتی هستند که با عبارت "ضیف" در قرآن تعبیر می‌شوند. ضیف در زبان عربی به معنی مهمان است آن‌ها به محض ورود بر آن حضرت سلام و درود می‌فرستند و نقش مهمان را ایفا می‌کنند و حضرت *ابراهیم* با سلامی برتر از سلام آن‌ها پاسخ می‌دهد و این نشانه ادب و احترام افراد نسبت همدیگر است که سخن را با سلام آغاز کنند، انسجام ملائکه در کنار حضرت *ابراهیم* این ادب را بیان می‌کند. ملائکه به جانشینی اجزاء دیگر وارد شده تا این ادب را پررنگ‌تر جلوه دهد زیرا ناشناخته بودن آن‌ها دلیلی بر بی‌احترامی آن حضرت نمی‌شود.

ارتباط عبارات با هم در یک خط افقی ترکیب نوشتاری را به وجود آورده و انسجام ساختار را در داستان نمایان می‌سازد. عبارات به گونه‌ای در کنار هم و در یک خط افقی قرار گرفته تا آداب مهمانی را به ترتیب بیان کند. سلام یکی از آدابی است که مسلمانان به محض برخورد با همدیگر انجام می‌دهند و حضرت *ابراهیم* پس از سلام و خوش آمد، برای پذیرایی نزد اهلس می‌شتابد، و با بهترین غذایی که داشتند به نزد مهمان‌ها برمی‌گردد، غیبت حضرت *ابراهیم* به گونه‌ای بوده است که مهمان‌ها متوجه آن نشدند و قرآن از آن به "راغ" تعبیر کرده و انتخاب این واژه در محور جانشینی دال بر همین امر می‌کند. سپس به نوع پذیرایی از آن‌ها اشاره می‌کند: "فقر به الیهیم" یعنی مهمان را نباید در حرج انداخت و غذا باید در دسترس مهمان باشد. نکته آخر که قرآن این داستان به اشاره می‌کند، این است که مهمان باید علت حضورش را برای میزبان بیان کند و ملائکه

تحلیل ساختاری حدیث ضیف ابراهیم(ع) در قرآن کریم با تکیه بر دو محور جانشینی و هم‌نشینی/۲۵

آن را برای حضرت /براهیم ابراز داشتند و گفتند ما برای ابلاغ رسالت الهی و بشارت آمدن فرزند برای تو به اینجا آمده‌ایم.

کتابنامه

قرآن کریم

کتب عربی

- أبوستیت، الشحات محمد. ۱۹۹۱م، خصائص النظم القرآنی فی قصة إبراهيم عليه السلام، الطبعة الأولى، مصر: مطبعة الأمانة.
- أحمد مختار، عمر. ۲۰۰۲م، المعجم الموسوعي لألفاظ القرآن الكريم وقراءاته، الطبعة الأولى، المملكة السعودية: مؤسسة سطور المعرفة.
- راغب إصفهانی. ۲۰۰۸م، معجم مفردات ألفاظ القرآن، بيروت: دار الكتب العلمية.
- زمخشري، ابوالقاسم جار الله. ۱۹۹۸م، اساس البلاغة، تحقيق محمد باسل عيون السود، الجزء الاول، بيروت: دار الكتب العلمية.
- الشوکانی، محمد بن علی بن محمد بن عبدالله. ۲۰۰۵م، فتح القدير، دمشق- بيروت: دار ابن كثير، دار الكلم الطيب.
- العدل، سعد عبدالملك. ۲۰۰۸م، الخليل اخناتون فی القرآن الكريم، الطبعة الأولى، القاهرة: مكتبة مديولى.
- مسلم، مصطفى. ۲۰۱۰م، التفسير الموضوعی لسور القرآن، المجلد الخامس (الانبياء- العنكبوت)، كلية الدراسات العليا والبحث العلمى، جامعة الشارقة.

کتب فارسی

- چندلر، دانيل. ۱۳۸۷ش، مبانی نشانه‌شناسی، ترجمه مهدی پارسا، چاپ سوم، تهران: شرکت انتشارات سوره مهر.
- خرم‌دل، مصطفى. ۱۳۸۴ش، تفسير نور، چاپ چهارم، تهران: نشر احسان.
- دوسوسور، فردينان. ۱۳۸۹ش، دوره زبان‌شناسی عمومی، ترجمه كورش صفوى، چاپ سوم، تهران: هرمس.
- سجودى، فرزانه. ۱۳۸۲ش، نشانه‌شناسی کاربردى، تهران: نشر قصه.
- طباطبائى، سيد محمدحسين. ۱۳۹۰ش، تفسير الميزان، ج ۱۰، قم: دفتر انتشارات اسلامى وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- غزالی، محمد. ۱۳۸۸ش، اخلاق اسلامى، ترجمه محمود ابراهيمى، چاپ اول، تهران: احسان.
- قائمی‌نيا، عليرضا. ۱۳۸۹ش، بيولوژى نص نشانه‌شناسى و تفسير قرآن، چاپ اول، تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه اسلامى.

قرضاوی، یوسف. ۱۳۷۸ش، **دورنمای جامعه اسلامی**، ترجمه عبدالعزیز سلیمی، تهران: احسان.
مارسل، دانسی. ۱۳۸۷ش، **نشانه‌شناسی رسانه‌ها**، ترجمه گودرز میرانی و بهزاد دوران، چاپ اول، تهران: چاپار آئینه‌نما.
مکارم شیرازی، ناصر. ۱۳۵۳ش، **تفسیر نمونه**، ج ۲۲، تهران: دار الکتب الاسلامیه.

مقالات

ابراهیمی، ابراهیم. ۱۳۹۵ش، «**نقد و تحلیل ساختار ادبی و محتوایی آیه تطهیر**»، مجله فصلنامه علمی- پژوهشی پژوهش‌های ادبی- قرآنی، دانشگاه اراک، سال چهارم، ش ۲، صص ۹-۲۶.
طاهری‌نیا، علی باقر و دریانورد، مریم. ۱۳۹۳ش، «**تحلیل نشانه‌شناسی «حوار» در داستان حضرت ابراهیم در قرآن کریم**»، دوفصلنامه پژوهش‌های قرآنی در ادبیات، دانشگاه لرستان، سال اول، شماره ۲، صص ۲۷-۵۱.
طاهری‌نیا، علی باقر و علی نژاد، فاطمه و پنبه زاری، سارا. ۲۰۰۶م، «**السیمیائیة لخوف فی القرآن الکریم**»، مؤتمر الثقافة الخوف، فیلا دلفیا، العدد ۷۹.
طبیعی، علیرضا و رمضانی، ملیحه. ۱۳۹۲ش، «**بررسی معناشناسانه استهزاء با تأکید بر هم‌نشینی‌ها و جانشینی‌ها**»، مجله فصلنامه علمی- پژوهشی پژوهش‌های ادبی- قرآنی، دانشگاه اراک، سال چهارم، ش ۲، صص ۲۷-۵۰.
ممتحن، مهدی. ۱۳۹۳ش، «**نماد عنکبوت و زنبور عسل در قرآن و مثنوی**»، فصلنامه مطالعات قرآنی، سال پنجم، شماره ۱۷، صص ۱۷۲-۱۵۷.

Bibliography

Glorious Al-Goran Al-Karim
Ebrahimi, Ebrahim (2016). (Naghd va Tahlileh Sakhtare Adabi va Mohtavaei Ayeyeh Tathir) Quarterly of (Pazhuheshhaye Adabi-Gorani)Arak University. Fourth year. No.2,Page 9-26.
Abusetit, Alshahhat Mohammad (1991). Khasaes Olnazm OIGorania fi ghesate Ebrahim-Say Hello-, First publication,Alamanie Printing office.Egypt.
Ahmad Mokhtar,Omar,2002, Almojam Almosoei LeAlfaz e AlGoran Alkarim va Geraatehi, First publication, Printery of Sotur Elmarefat, Saudi Arabia.
Khorram Del, Mostafa(2005) Tafsire Nur, Fourth Publication. Tehran, Ehsan press
Chendler, Daniel (2008). Mabanie Neshaneh Shenasi. Translator: Mehdi Parsa. Third publication. Tehran: Soureyeh Mehr press.

- Marsel, Dansi (2008). Neshaneh Shenasi Resaneh ha. Translators: Gudarz Mirani & Behzad Doran. First publication, Tehran: Chapare Aeine Nama printing office.
- Dososour, Ferdinan (2009). Doreyeh Zaban Shenasi Omumi. Translator: Krosh Safavi. Third publication. Tehran: Hermes printing office.
- Zamakhshari, Abu Alghasem Jaro Allah (1998) Asas Albalaghat, Research: Mohammad Basel Oyun Alsud, First Part, Dar Alkotub Alelmiat, Beirut, Lebanon
- Taheri Nia, Ali Bagher, Alinezhad, Fatemeh, Panbeh Zari, Sara (2006), Alsimiaeiati Lekhavf fi AlGoran Alkarim, Alsegafat Alkhof Conferense. Filadelfia, 79 numbers.
- Taheri Nia, Ali Bagher, Daryanavard, Maryam (2014). Tahlileh Neshane Shenasi (Havar) in EbrahimProphetess Story Glorious Goran. Biquarterly Researches in Literature. Lorestan University. First year. No.2, page: 27-51
- Tabatabaei, Allameh, Tafsir Almizan (2011), Tenth volume, Entesharate Eslami office related to the teachers of Hozeye Elmieh of Ghom
- Tabibi, Alireza & Ramezani, Maliheh (2013). Barresie Mana Shenasaneyeh Estehza ba Takid bar Hammeshini ha va Janeshini ha. Journal of (Pazhihesh hayeh Adabi-gorani) quarterly, Arak University. Fourth year. No.2, page: 27-50
- Aladl, Saad Abdolmalek (2008). Alkhalil Akhnatun fi Glorious Goran, First publication. Madbuli school: Cario.
- Ghazali, Mohammad, Akhlaghe Eslami, Translator: Ebrahimi, Mahmoud Ebrahimi (2009), Tehran: Ehsan printing office. First publication.
- Ghaemi Nia, Alireza (2010). Biologhy Nass Shenasi va Tafsireh Goran. First publication. Tehran: Pazhuhesh Gaheh Eslami press.
- Garzavi, Yousef. Dournamaye Jameeyeh Eslami. Translator: Salimi Abdol Azizi (1999), Tehran: Ehsan printing office.
- Esfahani, Ragheb. Mojam /mofradat Alfaz AlGoran, Shams Aldin Ebrahim (2008), Beirut: Dar Alkotob Alelmiat.
- Sojudi, Farzan (2003), Neshaneh Shenasi Karbordi. Ghesseh press.
- Shirazi, Makarem, Tafsireh Nemumneh (1971). 22d volume, Dar Alkotob Aleslamiat.
- Alshoukani, Mohammad ben Ali ben Mohammad ben Abd Allah. Fath Alghadir (2005). Dar Ebn Kasir, Dar Alkalam Altib-Damascus, Beirut.
- Moslem, Mostafa. (2010). Altafsir Almozuei Lesovare El Goran, Fifth Cover (Al Anbia- Al Ankabut). Manufactory of Alderasat El Olia and Albahse El Elmi. Alshargeh University.
- Momtahn, Mahdi, 2014, "Namade Ankabut va Zambure Asal dar Ghoran va masnavi, Quarterly Quranic Studies, Year 5, No 17, Pages 172-157.

